

افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی (بامحوریت تربیت کودک)

□ سید ذبیح‌الله علوی*

چکیده

تربیت کودک سالم یکی از همترین دغدغه‌های جوامع بشری بوده و هست. زیرا جامعه سالم و سعادت‌مند در گرو تربیت صحیح فرزندانشان می‌باشد. لذا هر جامعه‌ای در تلاش است که بهترین سبک تربیتی را در برای تربیتی فرزندان خود در پیش. گیرد. در عصر ما غرب باتلیغات گسترده خود مدعی پیشرفت و موفقیت در همه امور مخصوصاً حوزه فرهنگی تربیتی را دارد. با توجه به اهمیت تربیت فرزند در این مقاله تلاش شده دو سبک تربیت کودک غربی و اسلامی مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته و افتراقاتشان بیان شده است. در بررسی به عمل آمده هریک از نظامهای دوگانه چهار سبک تربیتی جداگانه‌ای مطرح نموده‌اند که هریک از این سبک‌ها در نظامی اسلامی و غربی از لحاظ مفهومی نزدیک به هم می‌باشند. اما به لحاظ بکارگیر باهم تفاوت دارند. در نظام غربی هر چهار سبک به طور مستقل ارزیابی و تنهای یک سبک مقتدرانه به عنوان سبک مناسب تربیتی معرفی شده. اما در اسلامی هریک از سبکهای چهارگانه با توجه به شرایط توانایی کودک مناسب ترین سبک تربیتی را برای دورها سنی مختلف کودک معرفی می‌کند. علاوه برآن هریک از دو نظام اسلامی و غربی تفاوت‌های دیگر به لحاظ مبدهء شروع تربیت، اهداف تربیتی، و نهادی‌های تربیتی نیز باهم دارند. که به هریک از آنها نیز در این مقاله پرداخته شده است.

واژگان: کودک، برائت، حقوق، حدیث رفع، حدیث حجب، حدیث حلیت، حدیث سعه.

^۱. طلبه سطح چهار فقه و اصول.

مقدمه

فرهنگ هر جامعه عامل مهم در سعادت و شقاوت انسان است. امروزه فرهنگ غربی در سایه پیشرفت‌های صنعتی و قدرت رسانه اکثر فرهنگ‌های جوامع دیگر را تحت تأثیر خود قرار داده. اما در گذر زمان هر روز نقطه ضعف‌های و عیب‌های این فرهنگ آشکار می‌شود. تا جایی که خود مدعیان آن نیز به نقص‌های فاهش آن که جوامع انسانی را دچار مشکل کرده اذعان می‌کنند. در مقابل فرهنگ آسمانی اسلام، قرار دارد که هر چه زمان بگذرد زوایان تازه از دستورات حکمیانه آن آشکار می‌شود. یکی از چالش‌های مهم هر جامعه‌ای سبک تربیت فرزند است که چگونه فرزندان را تربیت کنند که سلامت و سعادت فرد و جامعه در سایه آن تامین شود. لذا هم صاحب نظران غربی و هم پیشاویان دین مبین اسلام به این موضوع به طوره ویژه پرداخت و راه درست تربیت کردن کودک را به پیروان خود رهنمود کرده‌اند. در این نوشتار تلاش بر آن است که ابتدا سبک تربیت کودک در فرهنگ اسلامی براساس آیات و روایات مطرح و در ادامه سبک تربیت کودک در فرهنگ غربی براساس گزارشات پژوهشگران علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد در پایان تفاوت و اشتراکات آن با فرهنگ اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مفاهیم

قبل از ورود به اصل بحث لازم است که مفهوم برخی از اصطلاحات کلیدی بحث روشن شود. لذا در این قسمت مفهوم اصطلاحات کودک، سبک زندگی، تربیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- کودک

در فرهنگ اسلامی کودک یا طفل به همان انسان نابالغ اطلاق می‌شود. در «القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية» چنین آورده است که: «الطفل: هو ما بین أن یولد الی أن یحتلم» (غدیری، ۱۴۱۸ ه.ق، ص ۳۳۶) همچنین در تحریر الوسیله صغیر را که مرادف با طفل است، چنین تعریف نموده: «الصغیر - و هو الذی لم یبلغ حدَّ البلوغ» (خمینی، ۱۳۹۲ ه.ش، ج ۲، ص ۱۴) بنابراین طفل در مقابل بالغ می‌باشد. بلوغ در فقه به دو معنای بکار رفته بلوغی که شرط تکلیف

است و بلوغ که رافع حجر است. بلوغ شرط تکلیف به یک از سه راه ثابت می‌شود. رویدن موی برعانه، خروج منی و سن اتمام پانزده سالگی برای پسر و اتمام نه سالگی برای دختر. (خمینی، همان، ص ۱۵) این بلوغ شرط تکلیف است اما برای رفع حجر از تصرف مالی علاوه بر آن بلوغ باید رشد و عدم سفاهت او نیز ثابت شود. (همان) که البته این بلوغ سن مشخصی برایش ذکر نشده.

حدود بلوغ نیز نسبت به دختر و پسر متفاوت می‌باشد. برای دختران کمتر از ده سال کامل و برای پسران کمتر از ۱۶ سال کامل می‌باشد.

در فرهنگ غربی کودک به شخص زیر سن ۱۸ سال اطلاق می‌شود. کنوانسیون حقوق کودک که مصوب سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است و اکثر کشورهای جهان نیز به آن پیوسته‌اند، در «ماده یکم» مقرر داشته است: «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است».

۲- سبک زندگی

سبک در فارسی به معنی روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. البته در عربی به معنی گذاختن فلز می‌باشد. (دهخدا، سال ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶۵۳) سبک در اصلاح ادبیات به معنای خاصی از نظم و نثر است که معادل انگلیسی آن style می‌باشد.

عبارت سبک زندگی در شکل نوین آن (life style) اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. این عبارت به منظور توصیف ویژگی‌های زندگی آدمیان مورد بهره برداری قرار گرفت. در کتابهای لغت انگلیسی این واژه در معانی کم و بیش مشابهی به کار برده شده است:

روشی که شخص یا گروهی از افراد زندگی می‌کنند، که شامل مکان زندگی، تعلقات، شغل و فعالیت‌هایی است که از آن لذت می‌برند.^۱

^۱ - the way a person or group of people live, including the place they live in, the things they own, the kind of job they do, and the activities they enjoy

سبک زندگی شخص یا گروهی مشخص از افراد، شرایط زیستن، رفتار، و عادت هایی است که ویژه آنهاست یا به انتخاب آنهاست.^۱
علايق، نظرات، رفتارها و گرايشات يك فرد، گروه يا فرهنگ^۲
در میان اندیشمندان علوم اجتماعی غربی سبک زندگی با رویکردهای مختلفی تعریف شده است:

«آلفرد آدلر» از این اصطلاح برا اشاره به حال هوای زندگی فرد استفاده کرده. سبک زندگی هدف فرد، خودپنداریه، احساس های فرد نسبت به دیگران، و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می شود.

«لیزر» سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می کند. به نظر وی سبک زندگی نشان دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان دهنده شیوه ای است که مصرف کننده در آن خرید می کند و شیوه ای که کالای خریداری شده مصرف می شود، بازتاب دهنده سبک زندگی مصرف کننده در جامعه است. (پایگاه حوزه، معارف، سال ۱۳۹۸)

سازمان بهداشت جهانی سبک زندگی را این گونه تعریف می کند: «اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری دو عادت فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و ...) است که در پی فرایند جامعه پذیری به وجود آمده است.» (همان)
همانطور که جامعه شناسان غربی هر یک براساسی بینش و نگرش خاص تعاریف مختلف را ارائه نموده اند اندیشمندان و پژوهشگران اسلامی نیز براساس بینش اسلامی خود تعریف متفاوت با تعریف غربی آن ارائه نموده اند. کتاب «دین و سبک زندگی» در تعریف سبک زندگی چنین

<https://www.ldoceonline.com/dictionary/lifestyle>

¹ - The lifestyle of a particular person or group of people is the living conditions, behaviour, and habits that are typical of them or are chosen by them

<https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/lifestyle>

²- the interests, opinions, behaviours, and behavioural orientations of an individual, group, or culture

[https://en.wikipedia.org/wiki/Lifestyle_\(social_sciences\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Lifestyle_(social_sciences))

می‌نویسد: «سبک زندگی عبارت است از الگوی همگرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌های که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها(سلیقه)اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار سبک زندگی: الگوی یا مجموعه نظام مند کنش‌های مرجع است.» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، شماره ۱، ص ۲۰۴)، مؤلف کتاب سبک زندگی و ابزار سنجش آن این‌گونه تعریف نموده: «شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند.» (همان)

۳- تربیت

در لغت مصدر باب افتعال از ماده «ربی» به معنی رشد و نمو کردند. رَبَّيْتَهُ و تَرَبَّيْتَهُ، و هو تَرَبَّيْتِي. و رَبَّيْتُ بَكْوَرَةَ كَذَا: إِذَا نَشَأَتْ بِهَا(صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، سال ۱۴۱۴: ۲۷۶/۱۰) در اصطلاح نیز با در نظر داشت معنای لغوی، «تربیت» به پرورش در جهت رشد و کمال تعریف شده. (هاشمی شاهرودی، سال ۱۳۸۲ ه.ش، ج ۲ ف ۴۳۷) اما تعریف دقیق تر آن را چنین بیان شده: «مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف دار یک انسان (مربی) بر انسان دیگر (متربی)، به ویژه عمل یا تأثیر فرد بالغ و مجرب بر کودک و نوجوان به منظور ایجاد صفات اخلاقی و عملی یا مهارت‌های حرفه‌ای. (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سال ۱۳۸۶، ش ۳۶۶)

الف) سبک تربیتی در اسلام

باتوجه به اینکه تربیت در سرنوشت انسان تأثیر دارد؛ در مکتب اسلام قبل از تولد بلکه قبل از شکل‌گیری انعقاد نطفه انسان به ضمیمه‌های تربیتی انسان توجه نموده است. بر همین اساس دستورات رهنمودهای ضمیمه ساز برای تربیت یک انسان صالح و سعادت‌مند را از زمان تشکیل خانواده تا رسید به رشد کامل مرحله به مرحله بیان فرموده‌اند. مراحل تربیت در اسلام را به سه مرحله قبل از تولد، زمان انعقاد نطفه و زمان نوزادی تا بلوغ می‌توان تقسیم کرد.

۱-۱- قبل تولد

مراحل ابتدایی تربیت فرزند در اسلام برگشت به قبل از ازدواج می‌شود. یعنی در معیارهای

انتخاب همسر به تأثیر تربیتی آن رو فرزندان حاصله از آن توجه نموده و با لحاظ آن معیارهایی را برای انتخاب همسر مناسب بیان فرموده. امام صادق علیه السلام سه حق را بر پدر لازم می‌داند که یکی «انتخاب مادر مناسب برای او» است. ایشان می‌فرمایند: فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن برای او و جدیت در تربیت» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۳۶)

۱- نقش وراثت

اگرچه امروز در علم تجربی به اثبات رسیده که نمی‌توان وارث را به عنوان عامل مستقل و علت تامه برای تربیت فرزند در نظر گرفت (محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۶۳) اما از طرفی نمی‌توان نقش اقتضایی آن بر تربیت فرزند را نادیده گرفت. وراثت به عنوان عامل زمینه ساز در تربیت فرزند تأثیر دارد. در منابع دینی شواهد زیادی وجود دارد که به تأثیر گذاری وراثت در تربیت اشاره می‌کند. مهم‌ترین شاهد براین مطلب آیه ۵۸ سوره اعراف می‌باشد که می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» هدف خدوند متعال نمی‌توان صرف بیان امری باشد که برای همه انسانها آشکار و از ظواهر طبیعت است که از زمین طیب و مستعد گیاهان طیب می‌روید و از زمین نامرغوب گیاهان نامرغوب می‌روید. این مطلب روشن است و نیاز به بیان ندارد بلکه هدف بیان نقش حساس وراثت و اخلاق ابویان در فرزندشان می‌باشد. (سبحانی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۲۳)

همچنان‌که آیه ۷۷ سوره یوسف از قول برادران یوسف کلامی را نقل می‌کند که نقش وراثت در تربیت را بوضوح بیان می‌کند.

«قَالُوا إِن يَسْرِقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ...»: گفتند: اگر او دزدی کند، (جای تعجب نیست، چون) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد...» (یوسف/۷۷)؛ علامه طباطبایی می‌فرماید: «گویندگان این سخن همان برادران پدری یوسف هستند و به همین دلیل، یوسف را به بنیامین نسبت داده، گفتند اگر بنیامین امروز پیمانۀ پادشاه را دزدید، خیلی جای تعجب نیست و از او بعید نیست؛ زیرا او قبلاً برادری داشت که مرتکب دزدی شد و چنین عملی از او نیز سرزد.

پس این دو برادر دزدی را از ناحیه مادر خود به ارث برده‌اند و ما از ناحیه مادر از ایشان جدا هستیم» (طباطبایی، ۱۴۱۷ه.ق، ج ۱۱، ص ۲۲۶).

آیه دیگر برتأثیر وراثت بر تربیت فرزندان دارد آیه ۲۶ و ۲۷ سوره نوح می‌باشد که به نقش کفر و گمراهگری قوم نوح، در گناهکاری و کفران فرزندان‌شان اشاره دارد. (هاشمی رفسنجانی، سال ۱۳۷۹، ج ۷ ص ۵۲۶) « وَ قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا». اگرچه طبق روایات این اخبار غیبی حضرت نوح براساس وحی بوده نه براساس قاعده وراثت. (کاشانی، ۱۴۱۵ه.ق، ج ۲، ص ۴۴۲)

آیه بعدی که می‌تواند شاهد بر مدعای باشد آیه ۲۸ سوره مریم است. قوم بنی اسرائیل در هنگام مشاهده تولد حضرت عیسی عليه السلام بدون پدر، به حضرت مریم چنین خطاب کردند: « يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا» در این گفتار نقش پاکی و عفت پدر و مادر در نیکی و پاکی فرزند تصریح دارد. باینکه در زمان تولد حضرت مریم نه پدرشان عمران در قید حیات بودند که مریبگری او تأثیر داشته باشد بلکه حتی مادر حضرت مریم نیز در تربیت او نقش نداشت زیرا که سرپرست او از کودکی حضرت ذکریا برعهده داشت، لذا مقصود فقط تأثیر پذیری از طریق وراثت مراد می‌باشد.

اگرچه این قول در قرآن از قول قوم حضرت مریم (س) نقل شده همچنانکه در آیه ۷۷ سوره یوسف نیز از قول برادران یوسف نقل شده و قول آنها به خاطر عدم عصمتشان اعتباری ندارد. ولی طبق مبنایی میتوان به آن اعتبار بخشید. هر مطلبی را که قرآن از دیگران نقل می‌کند اگر رد نکند دلالت به صحت آن می‌کند. براین اساس صحت کلی مطلب تأثیر پذیری تربیت و اخلاق از وراثت را می‌توان از این آیات ثابت کرد.

در روایات نیز موارد متعدد وجود دارد که اشاره به نقش تربیتی وراثت شده.

در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین نقل شده: «تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (برای نطفه‌های خود (همسر مناسب) انتخاب کنید که عرق پنهانی تأثیر دارد) (ابن‌ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، ج ۲، ص: ۵۵۹).

در کتب معجم لغات «دَسَّ» به معنای داخل کردن چیزی در خاک و پنهان نمودن آن است

(معلوف، لويس، ۱۳۷۱ ه.ق، ص ۲۱۴). مقصود از دسّاس بودن عرق این است که خصوصیات اخلاق والدین به طور پنهانی به فرزندان منتقل می شود. در این روایت، پیامبر ﷺ می فرماید که باید دید چه محلی برای نطفه خود گزینش می کنی؛ زیرا «عرق» دسّاس است و کلمه «دسّاس» اشاره به این حقیقت است که نطفه اخلاق و سجایا را به فرزندان منتقل می سازد. در روایت دیگر از آن حضرت ﷺ نقل شده که فرمودند: «أَنْظُرُ فِي أَيِّ نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۶۶) بنگر فرزند خود را کجا قرار می دهی که عرق پنهانی تأثیر می گذارد.

رسول اکرم ﷺ و معصومین علیهم السلام که حقایق را با نور وحی می دیدند، به این قانون وراثت توجه کامل داشته است و در این روایات به پیروان خود توصیه می کند که از قانون وراثت غافل نباشید و توجه کنید زمینه پاک باشد تا فرزندان شما وارث صفات ناپسند نشوند. برهمن اساس است که حضرات معصومین از ازدواج، با حمقاء و فاسق، زناکار، نهی شده که اخلاق او بفرزندانش سرایت می کند. ذکر تمام آن روایات از ظرفیت این مقاله خارج می باشد.^۱

۲- ۱- انعقاد نطفه

یکی از مسائلی که در کلمات پیشوایان اسلامی برای سرنوشت تربیتی انسان مورد توجه قرار گرفته شرایط انعقاد نطفه می باشد. شرایط زمانی، مکانی و حالات روحی و روانی والدین در زمان انعقاد نطفه نقش در سرنوشت اخلاقی فرزندان دارد. برای نمونه جماع در حال حیض و از راه نامشروع را موجب تأثیرگذاری روی سرنوشت تربیت آن می دانند. لذا برای انعقاد نطفه شرایطی را ذکر می کنند که رعایت برخی آنها واجب و برخی مستحب می باشد.

به عنوان نمونه درامالی شیخ صدوق از حضرت رسول چنین نقل می کند که حضرت در ضمن سفارشاتى به حضرت امیرالمومنین در مورد ازدواج و رابطه زناشویی می فرماید: «... میان اذان و اقامه جماع مکن که فرزند خونخوار آید. ای علی چون زنت آبستن باشد بی

^۱ - عن الصادق عليه السلام «لا تزوجوا المرأة المستعنة بالزنا ولا تزوجوا الرجل المستعلن بالزنا إلا أن تعرفوا منهما التوبة»؛ عن النبي ﷺ «إياكم وتزويج الحمقاء فإن صحبتها بلاء، وولدها ضياع»؛ عنه ﷺ «من زوج كريمته من فاسق فقد قطع رحمه»

وضوء با او جماع مکن که فرزند کوردل و بخیل آید. در نیمه شعبان جماع مکن که فرزند شوم و با خال چهره آید، در آخر ماه دوروز از آن مانده جماع مکن که فرزند گمرکچی و معاون ظالم آید و جمعی از مردم بدستش هلاک شوند. بر سر پشت بامها جماع مکن که فرزند منافق و ریاکار و بدعت‌گذار آید. چون قصد سفر داری در شب جماع مکن که فرزند ولخرج آید رسول خدا این آیه را خواندند (سوره اسراء- ۳۰: براستی مبدرین برادران شیاطین باشند)، چون در سفری رفتی تا سه شب و روز جماع مکن که فرزند معاون هر ظالم بر تو آید. (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۶۹)

۳-۱- دوران جنینی

در علم تجربی یکی از مسلمات تأثیر پذیری روحی و روانی کودک از شرایط روحی روانی مادر در دوران بارداری می‌باشد. (بصیری، گوهری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷) شرایط روحی روانی مادر روح روان فرزندش را شکل می‌دهد حتی تغذیه مادر روی اخلاقیات جنین تأثیر می‌گذارد. در واقع این نه ماه از زندگی نوزادان در شکم مادر، روی تمام عملکردهای فیزیکی، ذهنی، هوشی، حسی، و روحی آنها در زندگی آینده‌شان تأثیر مستقیم دارد. دانشمندان علوم تجربی امروزه ادعای دارند که مطالعات مادر در دوران بارداری و یا صحبت‌های علمی مادر یا اطرافیانش، گوش دادن به موسیقی‌های خاص در ناخود آگان جنین نقش می‌بندد و بعدها در بزرگسالی فرد، تمایل بیشتری به این موارد پیدا می‌کند.

در منابع دین اسلام قرن‌ها قبل این مطلب را بیان کرده بود و به پیروان خود سفارش کرده که فرزندان خود را از شکم مادرشان تربیت کنند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که فرمودند: «أدبوا أولادکم فی بطون امهاتهم. قيل: کیف ذلک یا رسول الله؟ فقال باطعامهم الحلال.» فرزندان را در رحم مادرانشان تربیت کنید. پرسید شده؛ این چگونه است ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند: با خوراندن غذای حلال (به مادرش) (پور جوادی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲)

در روایت دیگری پایه گذاری سعادت و شقاوت انسان به دوران جنینی او نسبت داده شده. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده: «الشقی من شقی فی بطن امه و السعید من سعید فی بطن امه.» (قمی، ۱۴۰۴ ه.ق، ج ۱، ص ۲۲۷)

۲- نوزادی تا بزرگ سالی

نوزادی اول مرحله وجودی انسان به صورت یک انسان در این دنیا می‌باشد. تربیت به معنی اصطلاحی آن نیز از این دوران شروع می‌شود. بیشترین توجه دانشمندان علوم تربیتی به این دوران از زندگی انسان اختصاص یافت است در این دوران از همان آغاز نوزادی شخصیت انسان شکل می‌گیرد و از اطرافیان خود تأثیر می‌پذیرد.

در این مرحله از تربیت فرزند که مهم ترین و پچیده ترین مرحله تربیتی است اسلام سبک فرزند پروری ویژه‌ای بیان می‌کند تا فرزند به درستی و براساس فطرتی تربیت شود که خدا به وی عطا کرده است. و شخصیتش در جنبه‌های مختلف به درستی رشد کند.

پیشوایان اسلامی برای بیان سبک‌های تربیتی صحیح به خود طفل یا فرزند که مورد تربیت قرار می‌گیرد توجه نموده‌اند؛ براساس شرایط و اقتصائات کودک سبک‌های تربیتی صحیح را مورد توصیه قرار داده است. این روش در حدیث معروف نبوی به وضوح بیان شده که می‌فرماید: «الْوَالِدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيَتْ خَلَاتِقُهُ لِأَحَدِي وَ عِشْرِينَ سَنَةً وَ إِلَّا ضُرِبَ عَلَي جَنْبِيهِ فَقَدْ أَعْدَزْتَ إِلَى اللَّهِ.» (عاملی، ۱۴۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶) (فرزند، هفت سال مولا، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحيات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واکذار که در پیشگاه خدا معذوری.)

در موارد دیگر نیز از ائمه قریب به این مضمون احادیثی نقل شده:

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.» (همان، ص ۴۷۵)

بازهم از آن حضرت نقل شده: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَلَا خَيْرَ فِيهِ.» (همان)

طبق این احادیث شریف، مراحل تربیت فرزند به چهار مرحله تقسیم می‌شود و در هر مرحله سبک خاصی تربیت اعمال می‌شود. مرحله سیدی (آقایی)، مرحله عبد، مرحله وزیری، مرحله آذادی.

مرحله اول: سیدی

سید در لغت عربی به معنی صاحب آقایی و مقام اول. از همین باب است: «سیدُ بیت»، «سیدُ القوم». (المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة، ص ۷۲۰) سید در عرب بر انسانی که ربّ و مالک انسانی باشد و همچنین بر انسان شریف، فاضل، کریم، حلیم، و رئیس و مقدم بر دیگران نیز اطلاق می‌شود. (لسان اللسان، ج ۱، ص ۶۳۷) در این حدیث نبوی نیز همان معنی لغوی مراد است سید بودن طفل یعنی در خانواده آقایی و فرماندهی کند، از این رو هر چه می‌خواهد در صورتی که برای او زیانبار نباشد و در توان پدر و مادر باشد، حتی المقدور باید تأمین شود. این دوره که دوره خودمداری است، دورانی است که کودک باید آزاد باشد و مسئولیتی متوجه او نشود. به عبارت دیگر باید در مورد او حد اکثر حمایت و پاسخ دهی و حداقل تقاضا صورت پذیرد. آغاز این دوره از بدو تولد تا هفت سالگی کودک می‌باشد.

مرحله دوم: عبد

عبد در مقابل سید است به کسی اطلاق می‌شود که در ملک و بنده‌ای دیگری باشد یا کسی دیگر او را اسیر خود کرده یا بر او سلطه پیدا کرده. (المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة ص ۹۴۱) عبد بودن کودک به این معناست که از سوی پدر و مادر یا معلم باید دستور صادر شود او ملزم به اجراست. در مرحله از زندگی فرزند از لحاظ جسمی رشد مناسب نموده ولی از لحاظ شناختی ناقص است لذا باید از طرف مربیش در انجام امور رهنمود شود تا به مرور زمان با کسب تجربه و رهنمودهای والدین قدرت شناختیش نیز تقویت شود. در انجام تکالیف و امور روزمرگی خود و همکاری با دیگران عادت کند. این حالت در مقایسه با سبکهای مطرح فرزند پروری غربی مطابق با سبک دستوری (مستبدانه) است که حد اکثر تقاضا و حداقل پاسخ دهی در آن مشهود است. البته در جای خود بیان شده که حد اکثر تقاضا در این مرحله از تربیت اسلامی به معنای خشونت نیست و مراد از حد اقل پاسخ دهی نیز حد متوسط است. زیرا اسلام دین مهربانی و کرامت است. در سیره حضرت رسول ﷺ آمده است که سفاس فرموده‌اند؛ کودکان خود را دوست بدارید و با آنان مهربان باشد.... (حرعاملی، پشین،

ج ۲۱، ص ۴۸۳) یا در موردی دیگر فرموده اند که کودکان را تکریم کنید و آنان را خوب تربیت کنید تا خدا شما را ببخشد. (همان، ص ۴۷۶)

مرحله سوم: وزیر

وزیر کسیست که رأی او مسموع و نظر او مورد احترام است، اما استقلال عملی نداشته و حکم او نافذ نیست. وزیر خود را سزاوار مشاوره نظر خواهی می داند و رأی مستقل می دهد و برای خود شخصیت و شأنی همسنگ امیر و حاکم قائل است، گرچه نهایتاً تابع و مطیع اوامر اوست. این مرحله، مرحله شکوفایی فکر و خودمدیری است که در این مرحله عواملی چون مشورت و تبادل افکار می تواند در رشد عقلی جوان، نقش موثری ایفا کند. این دوره ایجاب می کند که او همانند وزیر خانواده، مورد مشورت قرار گیرد و کارهایی که از او برمی آید به وی واگذار شده تا مسئولیت پذیر شود. با توجه به این توضیحات می توان وزیر یا حالت مشاوره ای را معادل سبکی عنوان کرد که حد متوسطی از پاسخ دهی و تقاضا را دارد. لذا رفتار با وزیر، مشاوره ای است و در کارها از او نظر خواهی می شود.

مرحله چهارم: آزادی

پس از پایان ۲۱ سالگی، وظیفه مستقیم والدین نسبت به فرزندان به پایان می رسد و مسئولیت زندگی به فرزند داده می شود پدر و مادر، فقط نظارت کلی و عمومی بر فرزند خود خواهند داشت. البته رابطه پدر فرزندی می تواند این قسمت را پررنگ تر نماید. چنان که حضرت علی علیه السلام سفارشات فروانی را به فرزندان خود که بالاتر از سن مذکور بوده اند، داشته اند. در این سبک رفتاری (آزادی یا تفویضی) حداقل تقاضا و پاسخ دهی وجود دارد. (کوهی، صوفی، پشین، ص ۶۳)

۳- معیار تقسیم بندی مراحل تربیت

با مراجعه به متون حدیثی رسیده از ائمه معصومین علیهم السلام می توان به این نتیجه رسید که تقسیم بندی مراحل تربیت کودک براساس میزبان رشد جسمی و توانایی عملی و شناختی کودک

می‌باشد. مراد از توانمندی عملی شامل توانایی جسمانی، تجربه و مهارت انجام کار یا وظیفه می‌باشد. مراد از توانمندی شناختی شامل دانش، نگرش، انگیزه، تعهد و قدرت تصمیم‌گیری فرد در تشخیص و شناخت بایدها و نبایدهای اجتماعی و دینی می‌باشد. (کوهی، صوفی، پشین، ص ۶۵) به عبارت دیگر، رفتار با فرزند بر دو مؤلفه استوار است، یکی رشد جسمی او و دیگری رشد شناختی و درک مسائل دینی و اجتماعی لذا در تشریح مراحل تربیت فرزند می‌تواند گفت: در هفت سالگی اول زندگی، توانمندی عملی و شناختی او بسیار ضعیف است و نیاز به حمایت صد در صد دارد.

در هفت سال دوم، کودک بسیار پرنرژی و پرتلاش است و از نظر توانمندی جسمانی کمی رشد یافته‌تر شده، اما فاقد شناخت و توانمندی در درک رفتار درست و وظایف خود در خانواده و اجتماع است و یا در صورت درک، حاضر به انجام آنها نیست و نیاز به رفتار دستوری دارد. دانشمندان غربی نیز به این امر اعتراف دارند که کودکان در این دوره سنی اخلاقی عمل می‌کنند تا از مجازات اجتناب کنند یا پاداش بگیرند. از دید آنها معیارهای اخلاقی از سوی والدین و بزرگ‌ترها تعیین می‌شوند و افراد باید برای گریز از مجازات یا کسب پاداش از آنها پیروی کنند. (گلچین کوهی، صوفی، پشین، ص ۶۳) لذاست که روایات اهل بیت علیهم‌السلام رفتار مناسب با این دوره سنی را دستوری و فرمانبرداری فرزند از پدر و مادر معرفی می‌کنند.

در هفت سال سوم فرزند از نظر توانمندی‌ها به سطح بالاتری رسیده مخصوصاً در توانمندی عملی رشت چشمگیر می‌کند لذا به سمت استقلال طلبی پیش می‌رود. اما به خاطر رشد بالای احساسات از لحاظ شناختی نسبت به مسائل اجتماعی نمی‌تواند مستقلاً مسیر درست را انتخاب کند لذا نیاز به راهنمایی و همراهی دارد. لذاست که در این مرحله روایات به ملازمت و مشورت با او در اموری زندگی دستور داده است. تا با مشورت کردن حس استقلال طلبی و غرور و عزت طلبی او لطمه نبید و هم با دخالت دادن او در مسائل زندگی به کسب تجربه و افزایش شناخت او کمک بشود. از طرفی با راهنمایی و تذکرات از اشتباهاتش در اثر ضعف شناخت و غلبه احساسات جلوگیری بشود. به این طریق است که کم کم زمینه مرحله استقلال کامل فرد فراهم می‌شود. بعد از این دوره هفت ساله تجربیات کافی برای

مستقل شدن بدست می‌آورد و وارد مرحله آذادی و استقلال می‌شود. اگرچه انسان همیشه در طول زندگی خود نیاز تعلیم و تربیت دارد. باید کسانی در زندگی انسان باشد که اشتباهات انسان را تذکر بدهد. اما پس از مرحله بسیت یک سالگی توقع جامعه و اطرافیان از شخص تغییر می‌کند. جامعه به عنوان یک انسان با شناخت کافی از مسائل صحیح و غلط اجتماعی به انسان نگاه می‌کند بر همان اساس توقعات رفتارهای مناسب را نیز انتظار دارد.

ب) سبک تربیت در غرب

پژوهشگران و اندیشمندان علوم تربیتی اعتقادات، نگرش‌ها، فعالیت‌ها و اقدامات والدین در قالب سبک‌های فرزند پروری والدین نمود داده‌اند. و براین اساس سبک‌های فرزند پروری را به سه یا چهار سبک تقسیم نموده‌اند. اینکه والدین کدام یک از این انواع سبک‌های مختلف تربیتی را در خانواده اتخاذ کنند، خود تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار دارد و بسیاری از این عوامل از شرایط محیط جامعه و فرهنگ غالب ناشی می‌شود. (عادل پور، ۱۳۹۶، ص ۷۹) امروزه محققان سبک‌های فرزند پروری والدین تقریباً تماماً توصیف دیانا بامریند از سبک فرزند پروری را پذیرفته‌اند. لذا با بررسی نظریه بامریند می‌توان مبحث فرزند پروری در غرب را به طور کامل مورد بررسی قرار داد. بامریند دو بعد پاسخ دهی و تقاضا را عامل ایجاد سه روش فرزند پروری عنوان کرده است. (کوهی، صوفی، پشین، ص ۵۷)

۱- بعد پاسخ دهی (صمیمیت و اطمینان بخشی) به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد.

۲- بعد تقاضا (کنترل): به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی‌های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد.

بر اساس میزان اهمیت دادن به دو بعد پاسخ و تقاضا سبک‌های فرزند پروری به چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه، مسامحه کارانه تقسیم می‌شود.

۱- مقتدارانه

والدین مقتدر در هر دو بعد تقاضا و پاسخ دهی در سطح بالایی رفتار می‌کنند. آنها فرزندان خود را به شیوه زبانی و عملی تشویق می‌کنند. (صوفی، کوهی پشین، ص ۶۰) آنها قاطع هستند امام دخالت گر و محدود کننده نیستند. این والدین قوانین و رهنمود هایی پی‌ریزی می‌کنند که فرزندان آنها چنان با می‌آیند که از آنها پیروی کنند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و به منظور توافق با کودک با او گفت و گو می‌کنند. (بهرامی زاده، ۱۳۹۷)

۲- سبک مستبدانه

این سبک با تقاضاهای بالای والدین و پاسخ دهی کم آنها مشخص می‌شود. این سبک مربوط به والدینی می‌شود که تأکید زیادی بر فرمانبرداری و اطاعت بی چون و چرا و بدون توضیح در مورد قوانین دارند و حداقل ارتباط و گرم بودن با فرزند در رفتارشان مشهود است. در این روش فرزندان چنین بار آورده می‌شوند که از قوانین سختگیرانه‌ای که بوسیله والدین بوجود می‌آید پیروی کنند. نتیجه شکست در پیروی از چنین قوانینی معمولاً تنبیه و اعمال زور است و برای کنترل کودکان خود از شیوه‌های ایجاد ترس استفاده می‌کنند. والدین مستبد معمولاً نمی‌توانند دلیلی که پشت این قوانین است را توضیح دهند. این والدین انتظار دارند که فرمان‌های آنها بدون چون و چرا اطاعت شود. والدین در شیوه استبدادی کمترین مهرورزی و محبت را از خود نشان می‌دهند. (عادل پور، پشین، ص ۸۰)

۳- سبک سهل گیرانه

این سبک با تقاضای کم والدین و پاسخ دهی زیاد آنها مشخص می‌شود. والدین سهل گیر به شیوه مثبت به خواسته‌ها و آرزوهای فرزندان پاسخ داده و درباره تصمیمات خانواده با آنها مشورت می‌کنند. همچنین والدین دارای این سبک، قوانینی وضع نمی‌کنند، خود را با انجام رفتارهای کنترلی درگیر نمی‌کنند و انتظارات کمی از فرزندان دارند. (صوفی، کوهی پشین، ص ۵۹)

۴- سبک مسامحه کارانه

این سبک با حداقل تقاضا و پاسخ دهی مشخص می‌شود. براساس ادبیات موجود در زمینه فرزند پروری، بدترین اثر را در مقایسه با سه سبک دیگر، بر فرزند دارد. والدین نسبت به نظارت و حمایت از فرزندان کوتاهی می‌کنند؛ یعنی ضمن اینکه رفتار فرزند را کنترل نمی‌کنند هیچ گونه رابطه صمیمی هم با فرزند برقرار نمی‌کنند. لذا فرزندان آنها بیشترین تمایل را به رفتارهای پرخطر دارند و اغلب در همه زمینه‌های روحی، روانی و رفتاری، عملکرد ضعیفی از خود نشان می‌دهند. (همان)

جمع بندی: در میان پژوهشگران غربی از میان این چهار سبک مطرح فرزند پروری سبک مقتدرانه، مناسب ترین سبک تربیتی شناخته شده است. آنان عقیده دارند که این سبک با نتایج مثبت رفتاری فرزند، رابطه دارد و مؤثرترین روش بین خانواده‌های شناخته شده است. نوجوانان با والدین این سبک، کم ترین گرایش به رفتارهای پرخطر دارند. زمانی اثر آن بیشتر است که هر دو والدین از این سبک استفاده کنند. حتی اگر یک از والدین سبک مقتدرانه داشته باشد بر رفتار مناسب نوجوان مؤثر خواهد بود.

ج) تفاوت‌های فرزند پروری غربی و اسلامی

باتوجه به اینکه موضوع مقاله بررسی افتراقات سبک تربیت است، لازم است بعد از بیان سبک‌های تربیتی مطرح در نظام اسلامی و غربی به بررسی افتراقات آنها پرداخته شود. نظام غربی با توجه جهان بینی و ایدولوژی مادی گرانه‌ای خود از جهاتی متعددی با نظام تربیتی اسلامی که دارای جهان بینی توحیدی است، فرق دارد.

۱- تفاوت در سبک تربیت

چنان که در بخش اول بیان شده غرب چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه و مسامحه کارانه برای تربیت مطرح نموده‌اند. از میان این چهار سبک، سبک مقتدرانه را مناسب ترین روش تربیتی فرزند معرفی کرده‌اند. اما در روایات اسلامی سه سبک متفاوت، سید، عبد، وزیر

بسته به رشد عملی و شناختی کودک مطرح شده است.

لازم است در مقایسه این سبکها از لحاظ مفهوم و تعریف ابتدا لازم جهت جمع بین آنها را با توجه به شباهتها پیدا کرد و بعد جهت افتراقات آنها را بیان کرد. در جمع بین سه سبک غربی و اسلامی به این نحو می توان بیان کرد. سبک سید با سبک سهل گیرانه قابل جمع است. زیرا چنان که در تعرف هریک گذشته طبق این سبک فرزند مودر حمایت حد اکثری همرا با کمترین تقاضا از او می باشد.

سبک عبد، با بسک مستبدانه قابل جمع است. در این سبک بیشترین تقاضا از فرزند وجود. سبک وزیر با سبک مقتدرانه تطابق دارد. در هر دوی آنها تقاضا از فرزند در حد متوسط همراه توجیه منطقی می باشد.

اما برای سبک مسامحه کارانه در روایات اسلامی معادل نمی توان یافت. به عبارت دیگر می توان گفته در اسلام چنین سبک برای تربیت مطرح نشده. اگرچه برخی پژوهش گران سبکی با عنوان آذاد را مقابل سبک مسامحه گرانه قرار دادند و مرادشان از سبک آذاد همان رفتاری است که بعد از هفت سال سوم توصیه شده. چنانکه پیامبر فرمودند: «فَإِنْ رَضِيتَ خَلَاتِقَهُ لِأَحَدِي وَعِشْرِينَ سَنَةً وَإِلَّا ضَرْبَ عَلِيٍّ جَنَّبِيهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ» (پس اگر در سال بیست و یکم روحيات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما) و الا واگذار که در پیشگاه خدا معذوری).

اما این سبک آذاد یک سبک تربیتی نیست بلکه مراد روایت این است که بعد بیست یک سالگی والدین نسبت به تربیت فرزندشان مسئولیت ندارد یا اینکه زمان مناسب برای تربیت فرزند قبل از آن دوره سنی است و بعد از آن اخلاق و روحيات فرد شکل گرفته تربیت تأثیر ندارد یا به سختی قابل اصلاح است. شاید وجه تشابه آن با سبک مسامحه کارانه همین باشد که در این سبک تربیت فرزند اهميت ندارد و مورد توجه قرار نمی گیرد عملا تربیت اصطلاحی صورت نمیگیرد.

اما تفاوت سبکهای تربیتی اسلامی و غربی: تفاوت آنها در به کارگیری این سبکهاست. براساس نظریه غربی هریک از سبکها به طور مستقل از یکدیگر برای تربیت فرزند در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی ملاحظه و بکار گرفته می شود. درحالی که طبق

سبک اسلامی همه از این سبک‌هایی تربیتی با همدیگر یک سیستم تربیتی کامل را تشکیل می‌دهد که هر یک از سبک‌های چهارگانه مناسب دروه سنی خاصی می‌باشد. با رعایت هر سبک در زمان مناسب خودش یک تربیت سالم اتفاق می‌افتد.

بر اساس نظریه تربیتی پذیرفته شده در غرب سبک مقتدرانه مؤثرترین سبک فرزند پروری بوده و باعث رفتار مناسب فرزند و کم‌ترین گرایش آنان به رفتارهای پرخطر می‌باشد. در این نظریه بدون در نظر گرفتن رشد فرزند، از روش مقتدرانه استفاده می‌شود. این در حالی است که در بسیاری از نظریات مدیریتی غربی سطح توانایی و ادراکی فرد، عاملی برای تعیین سبک رفتار با اوست. (صوفی، کوهی پشین، ص ۶۸)

اما بر اساس سبک اسلامی تربیت سبک متقارن با سبک مقتدرانه، سبک وزیری یا مشاوره‌ای است آن را فقط مناسب دروه سوم سنّی هفت سالگی تا بیست یک سالگی می‌داند. این دوره زمانی است که فرزند نیاز دارد تا با شرایط مختلف و پیچیده اجتماعی و دینی مواجه شود. در حالی که توانمندی جسمانی او تقریباً کامل شده است، باید به رشد شناختی و ادراکی او در تشخیص مسائل و تصمیم‌گیری درست، کمک شود. لذا والدین و کسانی که در تربیت او نقش دارند، با مشاوره گرفتن و مشاوره دادن، او را در درک مسائل یاری می‌کنند تا بتواند در این دوره، توانمندی شناختی خود را کامل کند. (همان) سبک‌های تربیتی دیگر نیز با توجه به نیاز کودک در دوره‌های سنی خاص توصیه شده است که قبلاً بیان شد.

۲- تفاوت در نهادهای تربیتی

با توجه به اهمیت خانواده در اسلام مسئولیت اصلی تربیت فرزند در دوران کودکی بر عهد پدر و مادر است؛ تا آنجا که یکی از حقوق فرزند به شمار آمده است. امام صادق علیه السلام سه حق را بر پدر لازم می‌داند که یکی از آنها «جدیت در تربیت فرزند» است. ایشان می‌فرمایند: فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن برای او و جدیت در تربیت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص: ۲۳۶)

اما در نظام فرهنگی غرب خانواده جایگاه بسیار متزل و ضعیفی دارد. لذا برای تربیت کودک

بیشتر از والدین دولت و نهادهای آموزشی دولتی نقش ایفا می‌کنند. بر همین اساس در طول روز بیشتر زمان کودکان در کودکانها و آموزشگاههای سپری می‌شود و مطابق الگوی تربیتی ارائه شده توسط نظام‌های حاکم مورد تربیتی قرار می‌گیرد. این سلط نظام حکومتی تا حدی است که گاهی والدین در آموزش و اظهار نظر در سبک آموزش و تربیت فرزندان خود مختار نیستند بلکه خود نیز نمی‌توانند برخلاف چاقوب نظام‌های آموزشی حاکم فرزند خود را تربیت کنند.

در اسلام علاوه بر خانواده نهادهایی دیگر نیز تعریف شده که علاوه بر کاراییهای مفید دیگر در جامعه نقش تربیتی پرنگی نیز دارند. مانند صله رحم، مسجد، هیئت‌های مذهبی. مراسمات دینی جمعی (نماز جماعت، نماز جمعه،...)

صله رحم از نهادهای است که در اسلام روی آن بسیار پافشاری و تاکید شده. این نهاد در بعدهای مختلف زندگی فرد نقش ایفا می‌کند. از حل معضلات اقتصادی گرفته تا حل فصل اختلافات خانوادگی و طائفه‌ای. اما یک از آثار با برکت صله رحم نقش معنوی و تربیتی آن برای افراد می‌باشد. در میان مجرمان اگر نگاه کنیم بیشتر افرادی هستند که از خانواده و فامیل خود قطع کردند یا اینکه روابط صله رحمی آنها کم رنگ است. صله رحم و ارتباط با اطرافیان علاوه بر اینکه نقش سازند در هویت شخص دارد عامل مهم بازدارنده از بد اخلاقی و ارتکاب جرم می‌باشد. در نتیجه کودکانی که در ارتباط با اقوام جمع رشد می‌کنند کمتر به انحراف کشانده می‌شوند. فرزندان در چینی شرایط بسیار اجتماعی تر و با اخلاق تر از فرزندان هستند که در تنهایی رشد می‌کنند علاوه بر اینکه خطر رفتن به سوی ناهنجاری نیز کمتر می‌باشد.

همچنین نهاد مسجد و هیئت مذهبی، محلی تربیت و تکامل معنوی انسان است. مسجد با برنامه‌های معنوی و عبادی خود نقش مهم در تربیت افراد جامعه بویژه کودکان مسجدی دارد.

۳- تفاوت در اهداف تربیت

در نظام تربیتی اسلامی باتوجه به حقیقت وجودی انسان که مستعد رسیدن به همه کمالات

معنوی است، هدف اصلی از تربیت، رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن به صفات الهی می باشد. در سایه تربیت توحیدی، اخلاق اجتماعی را نیز دست یافتنی می داند. در حالی که در نظام تربیتی غربی هدف از فرزند پروری کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است. تا فرزندان برای جامعه مفید باشد و از اخلاق مسالمت آمیز در برخورد با اطرافیان خود برخوردار باشد.

در چهار سبک تربیتی مطرح شده در غرب، والدین به تربیت دینی فرزندان توجهی چندانی ندارند؛ در حالی که روش تربیتی اسلام براساس توحید مداری و ولایت مداری است. والدین مسئولیت تربیت فرزندان خویش را بر محور توحید قرار می دهند و از فرزندانشان می خواهند که در آثار صنع الهی بیندیشند.

در چهار سبک تربیتی غربی، الگوی های تربیتی انسانهایی هستند که در ابعاد دنیوی یعنی علم، فن، اقتصاد، هنر و... سر آمد هستند؛ اما در شیوه تربیتی اسلامی اولیاء الهی در راس آنها پیامبر اکرام اسلام ﷺ و سایر معصومین به دلیل انسان کامل بودن در توحید و تقرب الهی، بهترین الگوی تربیت معرفی می شوند.

نتیجه

در جمع بندی از این مقاله می توان گفت که هریک از نظامهای تربیتی اسلامی و غربی چهار سبک تربیتی مطرح می باشد. در نظام غربی چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیرانه و مسامحه کارانه مطرح شده. در نظام اسلامی نیز چهار سبک، سید، عبد، وزیر و آژاد مطرح شده است. این چهار سبک به لحاظ مفهومی و تعریفی تا حدود نزید به هم هستند. اما تفاوت آنها در سبک به کارگیری آنها می باشد. در نظام تربیتی غربی بدون توجه به شرایط کودک بهترین سبک تربیتی را سبک مقتدرانه معرفی می کند. در حالی که نظام تربیتی اسلامی همه سبک را پذیرفته و با توجه به شرایط سنی و توانایی عملی و شناختی کودک مناسب دوره های سنی خاصی می داند.

تفاوت های دیگر نظام تربیتی اسلامی و غربی در از جهت مبدء توجه و شروع به تربیت

فرزند است. در نظام اسلامی مبدء توجه به تربیت فرزند قبل از تولد فرزند، یعنی زمان انتخاب همسر و بعد از آن انعقاد نطفه می باشد. در حالی که در نظام تربیتی غربی نهایت مرحله که در تربیت آیند فرزند توجه می شود زمان حمل مادر است. اما نسبت به زمان قبل از آن یعنی زمان انتخاب همسر و شرایط انعقاد نطفه برای تربیت آیند فرزند مطرح نیست.

تفاوت دیگر نظام تربیتی اسلام و غرب در نهادهای تربیتی مانند خانواده، صله رحم، هیئت ها و مراسمات جمعی مذهبی است که در اسلام مطرح شده ولی در نظام غربی یا اصلا وجود ندارد یا کم رنگ است.

در نهایت ریشه همه تفاوت در هدف تربیتی می باشد هدف تربیتی غربی براساس جهان بینی مادی می باشد. اما هدف تربیتی اسلامی توحیدی و الهی می باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی، *الأمالی* (للمصدق) / ترجمه کمره‌ای - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶.
- اکبر، هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، سال ۱۳۷۹، پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحة* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
- پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۶ دره جدید شماره ۳۹ تابستان ۱۳۹۷.
- پژوهشکده حوزه و دانشگاه فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ ۸ تهران، سمت، ۱۳۸۶.
- جعفر سبحانی، *مفاهیم القرآن*، - ناشر مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، سال ۱۴۲۱ ه.ق، تعدد جلد ۱۰ حمید بهرامی زاده، *فرزند پروری چیست؟ نظریه بامریند در مورد سبکهای فرزند پروری* حمید رضا بصیری، مریم گوهری، نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث، فصلنامه علمی - ترویجی سراج منیر، شماره ۱۳ سال ۱۳۹۲
- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - دفتر قم، *تحریر الوسيلة*، ۱۳۹۲ ه.ش.، تهران - ایران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخميني رحمته الله علیه.
- سبحانی تبریزی، جعفر، *مفاهیم القرآن*، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام سال ۱۴۲۱ ق.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة* - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. محقق محمد حسن آل یاسین، ۱۴۱۴ ه.ق.، *المحیط فی اللغة*، بیروت - لبنان، عالم الکتب، جلد: ۱۰، صفحه: ۲۷۶
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن* ناشر: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق
- علی بن ابراهیم، قمی، *تفسیر القمی* - قم، چاپ: سوم، ۱۴۰۴ ق.
- علی اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، سید جعفر شهیدی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۶۴۳.
- علی محمدی، علی، *شبهه سازی انسان*، نشر معارف، سال ۱۳۸۹.
- غدیری، عبدالله عیسی ابراهیم، *القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية*، ۱۴۱۸ ه.ق.، بیروت - لبنان، دار الرسول الاکرم صلی الله علیه و آله.

افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی (با محوریت تربیت کودک) □ ۷۷

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.
محمد حسین عادل پور، بررسی و مقایسه سبک‌های فرزند پروری از دیدگاه اسلام و دانشمندان
غربی، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، شامل چهاردهم، شماره ۴۳، زمستان ۱۳۹۶، ص ۷۹
محمد سعید، مهدوی کنی، مفهوم «سبک زندگی» و گستره آن در علوم اجتماعی، مجله
تحقیقات فرهنگی ایران، سال ۱۳۸۷، شماره ۱، ص ۱۹۹-۲۳۰
محمد گلچین کوهی، مرتضی رضایی صوفی، مقایسه تطبیقی سبک‌های فرزند پروری غرب و
اسلام براساس حدیث حضرت رسول ﷺ در تربیت فرزند، مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت
اسلامی، سال ۲۶، دوره جدید، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۷، ص ۵۷
معلوف، لويس، ۱۳۷۱ ه.ش.، المنجد فی اللغة، قم - ایران، اسماعیلیان، صفحه: ۲۱۴
ملا محسن، فیض کاشانی، تفسیر الصافی، انتشارات صدرا، سال ۱۴۱۵ ه.ق،
نصرالله پورجوادی، جنگ مهدوی (تاریخ کتابت از ۷۵۳ قمری به بعد) ناشر مرکز نشر دانشگاهی،
سال ۱۳۸۰

هاشمی شاهرودی، محمود. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، فرهنگ
فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۲ ه.ق.، قم - ایران، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر
مذهب اهل بیت علیهم السلام.

سایت

[https://en.wikipedia.org/wiki/Lifestyle_\(social_sciences\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Lifestyle_(social_sciences))

<https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english/lifestyle>

<https://www.ldoconline.com/dictionary/lifestyle>

سبک-زندگی - <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5211/7593/94788>

پیشینه- واژه- و- مفهوم - شناسی

حمید بهرامی زاده، فرزند پروری چیست؟ نظریه بامریند در مورد سبک‌های فرزند پروری، سال
۱۳۹۷ سایت روان حامی،

سایت پایگاه اطلاع رسانی حوزه، «سبک زندگی» پیشینه، واژه و مفهوم شناسی، مجله/ معارف/ فرودین

و اردیبهشت سال ۱۳۹۲ شماره ۹۶ www.noo.rs/qqqr

